

تاریخ معاصر ایران

سازمان افسران
حزب توده ایران
۱۳۲۳ - ۱۳۳۳

محمد حسین خسروپناه



تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۱۲

نشر و پژوهش شیرازه

www.iran-archive.com



خسروپناه، محمد حسین، ۱۳۳۳ -
سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۲۳-۱۳۳۳ / محمدحسین
خسروپناه. - تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۷.
ده، [۳۲۲] ص: مصور، عکس.

ISBN 964-6578-12-8:

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرستنویسی پیش از انتشار).
کتابنامه: ص. [۲۸۳] - ۲۸۵؛ همچنین به صورت زیرنویس:
۱. حزب توده ایران. سازمان نظامی. الف. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

۲ س ۵ خ / DSR ۱۵۲۵

۱۵۵۶۸ - ۷۷ م

کتابخانه ملی ایران

www.iran-archive.com



سازمان افسران حزب توده ایران
۱۳۲۳-۱۳۳۳

محمدحسین خسروپناه

طراح جلد: علی خورشیدپور

لینوگرافی: کوثر

چاپ و صحافی: فاروس

چاپ اول: ۱۳۷۷

تعداد: ۲۲۰۰

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران. صندوق پستی: ۱۱۳۸ / ۱۹۳۹۵

تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

شابک 964-6578-12-8 ۹۶۴-۶۵۷۸-۱۲-۸

سازمان افسران

حزب توده ایران

۱۳۲۳-۱۳۳۳

محمد حسین خسروپناه

www.iran-archive.com

فهرست

یادداشت دبیر مجموعه	نه
پیشگفتار	۱
فصل اول از شهریور ۱۳۲۰ تا سقوط فرقه دموکرات آذربایجان ..	۵
پیش‌زمینه‌ها	۷
فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه و تأثیر آن بر ارتش ایران ..	۱۰
حزب کبود، نهضت ملی و گروه رزم‌آرا ..	۱۳
حزب توده ایران	۱۷
تشکیلات نظامیان حزب توده ایران ..	۲۰
سازمان نظامیان حزب توده ایران ..	۲۳
قیام افسران خراسان ..	۲۸
۱. انگیزه‌ها و هدف‌های قیام ..	۲۸
۲. سازماندهی و تدارک قیام ..	۳۲
فعالیت در مشهد ..	۳۲
فعالیت در تهران ..	۴۰
قیام ..	۴۹
تأثیر قیام خراسان بر اوضاع سیاسی کشور ..	۶۵
سازمان نظامیان حزب توده و خودمختاری آذربایجان ..	۷۹

- ۹۵ تمایز دو بینش: رهایی ایران یا خودمختاری آذربایجان
- ۱۰۷ انحلال سازمان نظامیان حزب توده ایران
- فصل دوم سازمان افسران در دوران نهضت ملی شدن نفت ... ۱۱۱
- گروه هشت نفره خسرو روزبه ۱۱۴
- ائتلاف با حزب توده ایران ۱۱۷
- سازمان افسران حزب توده ایران ۱۲۰
- شعبه تشکیلات ۱۲۱
- تشکیلات شهرستانها ۱۲۸
- شعبه تعلیمات ۱۳۰
- شعبه تبلیغات ۱۳۱
- شعبه اطلاعات ۱۳۲
- شعبه مالی ۱۳۵
- تشکیلات زنان سازمان افسران حزب توده ۱۳۶
- بحران ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و فرار رهبری حزب از زندان قصر ۱۳۸
- کشف شدن دبیرخانه و بایگانی سازمان افسران ۱۴۷
- سازمان افسران در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت ۱۵۳
- قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و نقش سازمان افسران ۱۵۴
- سازمان افسران و مقابله با توطئه‌های کودتایی ۱۵۹
- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۱۶۹
- فصل سوم از ۲۸ مرداد تا فروپاشی سازمان افسران ۱۷۵
- ستاد مقابله با کودتا ۱۷۷
- آموزش نظامی ۱۸۰
- تهیه سلاح و مهمات ۱۸۳
- تشکیلات نارنجک‌سازی ۱۸۴

تلاش برای اتحاد با ایل قشقایی و جنگ چریکی در جنوب کشور..	۱۸۷
خرابکاری در پادگان قلعه مرغی	۱۹۱
ماجرای ناو ببر.....	۱۹۳
عملکرد سازمان افسران از کودتا تا فروپاشی	۱۹۵
ضربه‌های وارده.....	۲۰۵
چگونگی شناسایی و تلاشی سازمان افسران	۲۰۷
عوامل فروپاشی.....	۲۲۶
ضمایم.....	۲۳۹
۱. خاطرات سرگرد همایونی	۲۴۱
۲. اعلامیه شورای عالی استواران و گروه‌بانان لشکر خراسان.....	۲۷۲
۳. اعلامیه جمعی از نظامیان لشکر خراسان.....	۲۷۴
۴. نمونه کاراکتریستیک.....	۲۷۶
۵. آئین نامه سازمان حزب توده	۲۷۷
کتابشناسی	۲۸۳
سندها و تصویرها	۲۸۷
فهرست اعلام	۲۹۷

یادداشت دبیر مجموعه

چگونگی تأسیس، عملکرد پرفراز و نشیب و بالاخره نحوه فروپاشی سریع سازمان افسران حزب توده ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۳ شمسی یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مباحث تاریخ تحولات ایران را در نیم‌قرن اخیر تشکیل می‌دهد. در این میان نه فقط اصل موضوع که مسائل جانبی ولی در عین حال مهمی چون نگرانی حاصل از حضور و وجود چنین سازمانی در دل تشکیلات نظامی و انتظامی کشور و تأثیر این نگرانی بر مناسبات داخلی و خارجی کشور از یک سو و امید و انتظاری که وجود چنین تشکیلاتی در دل برخی از نیروهای سیاسی کشور برانگیخته بود از سوی دیگر، مضامین مهمی است که هنوز مورد یک بررسی دقیق تاریخی قرار نگرفته است.

بحث کمبود مأخذ لازم و ضروری جهت به سامان رساندن چنین تحقیقی، بحث جدی و مهمی است. هنوز بسیاری از اسناد داخلی مهم، مانند گزارش‌های دوایری چون اداره اطلاعات شهربانی و رکن دوم ارتش که این تحولات را پی‌گیری می‌کردند و همچنین اسناد خارجی مهمی مانند اسناد دوایر سیاسی و اطلاعاتی شوروی که این فعالیت‌ها را تحت نظر و احتمالاً هدایت داشتند در دسترس پژوهشگران قرار ندارد. ولی با تمامی این تفاسیل به نظر نمی‌آید که دلیل اصلی کوتاهی تاریخ‌نگاری ایران معاصر در پرداختن به این مهم، فقط کمبود منابع و مأخذ مورد لزوم بوده باشد.

چنین به نظر می‌رسد که سنت تاریخ‌نگاری ما ذاتاً نتوان تر از آن است که تا پیش از حذف تمام و کمال چنین موضوع‌هایی از صحنه تحولات جاری سیاسی، توان بحث و بررسی آن‌ها را داشته باشد. تنها بعد از تلاشی کامل حزب

تودهٔ ایران در سال‌های اخیر و از آن مهم‌تر اضمحلال حزب مادر در پی فروپاشی اتحاد شوروی بود که زمینهٔ فکری و توانایی ذهنی بررسی‌هایی از این دست فراهم شده است. موضوعی که در روزگاری نه چندان دور در چارچوب حب و بغض‌هایی اساسی، محدود و محصور بود، اینک امکان بحث و بررسی‌ای معقول یافته است.

نگاهی به منابع و مأخذ این کتاب که خود نقطهٔ شروعی است بر تحقیقاتی از این دست، مؤید بحث فوق‌الذکر می‌باشد. گذشته از برخی خاطرات و سرگذشت‌ها که در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند، بخش اعظم منابعی که در این بررسی مورد استفاده بوده‌اند از کتب و نوشته‌های فرمانداری نظامی گرفته تا گزارش‌ها و اخبار منتشره در جراید و وقت، از سال‌ها پیش در دسترس پژوهشگران قرار داشته‌اند ولی همان‌گونه که اشاره شد، تاریخ‌نگاری معاصر ما تا چندی پیش توان بهره‌برداری از آن‌ها را نداشت و تا پشت سرگذشتن تمامی این پایبندی‌ها نیز راه درازی در پیش دارد.

آنچه نیز در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است، یعنی تاریخچهٔ سازمان افسران با تمام جوانب جامع و گسترده‌ای که دارد بیشتر پیش درآمدی است بر این موضوع مهم. گذشته از نکات مهمی که هنوز در مورد برخی از تصمیم‌گیری‌ها و تحولات سازمان افسران روشن نیستند، مسائل کلی‌تری چون جایگاه آن در استراتژی سیاسی دولت شوروی در قبال ایران و یا دانسته‌ها و برآوردهای دولت از این تشکیلات هنوز مبهم و ناشناخته‌اند. ولی ضرورت آشکار شروع چنین بررسی‌هایی، حتی اگر به معنای طرح این نکات مبهم و ناشناخته نیز تلقی شود، موضوعی نیست که بتوان بیش از این، آن را به تعویق انداخت.

کاوه بیات

پیشگفتار

در پی فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، جامعه ایران فرصت و امکان آن را یافت تا در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب مشروطه یعنی دموکراسی، حاکمیت قانون، مشارکت اجتماعی در قدرت سیاسی و... بکوشد. در این شرایط و بهره‌گیری از اوضاع و احوال جهانی، احزاب سیاسی... که شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی و بیان‌کننده‌ی خواست‌ها و علایق گروه‌ها و اقشار اجتماعی است... پدید آمده و گسترش یافتند. حزب توده ایران از جمله نخستین احزابی است که پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران پدید آمد و در مدتی کوتاه به سازمان‌یافته‌ترین و گسترده‌ترین حزب سیاسی ایران مبدل شد و علاوه بر تشکیلات گسترده حزبی، توانست در میان زنان، جوانان و نظامیان سازمان‌های قدرتمندی پدید آورد، اتحادیه‌های کارگری و دهقانی، کانون‌ها و مجامع صنفی - فرهنگی متعدد در سراسر ایران برپا سازد و بر تحولات و رویدادهای سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. این ویژگی‌ها و به‌خصوص عملکرد حزب توده موجب شده است که برخلاف دیگر احزاب سیاسی ایران که عمدتاً ناشناخته و بررسی نشده باقی مانده‌اند، این حزب، حجم گسترده‌ای از پژوهش‌ها و مطالعات مربوط به دهه ۱۳۲۰ و نهضت ملی شدن صنعت نفت را به خود اختصاص دهد. در این بررسی‌ها و مطالعات که عمدتاً نیز سیاسی و اجمالی است، حزب توده نه به عنوان یک مجموعه‌ای از حوزه‌های بهم پیوسته، که به عنوان یک کل واحد و یکدست بررسی و ارزیابی شده و معمولاً شناخت جناح‌بندی‌های درونی حزب توده و سازمان‌ها و تشکیلات وابسته به آن به توصیف چگونگی پیدایش جریان خلیل ملکی و

ماجرای انشعاب محدود می‌مانند. در حالی‌که اگر حزب توده به‌صورت مجموعه‌ای از عناصر مورد بررسی قرار گیرد و سازمان‌ها و تشکل‌های وابسته به آن به‌صورت موضوعی و موردی (و البته در پیوستگی با سیاست و سازمان حزب توده) مورد سنجش و بررسی قرار گیرد، مشخص می‌شود که هر یک از سازمان‌ها و مجامع و اتحادیه‌های وابسته به حزب توده، بر اثر منافع و علایق صنفی و گروهی و همچنین برداشت‌های نظری و سیاسی متفاوت از رهبری حزب توده، در موارد متعددی نه تنها با سیاست‌های رهبری حزب توده هماهنگ و همسو نبوده‌اند که گاه در مخالفت با آن نیز عمل می‌کرده‌اند. از این رو شناخت و بررسی همه‌جانبه حزب توده بدون بررسی و ارزیابی هر یک از این سازمان‌ها، مجامع، اتحادیه‌ها و... ناقص و محمل باقی خواهد ماند. برای اساس بررسی تاریخی حزب توده در مجموعه‌ای پنج بخشی شامل: ۱. تاریخ سیاسی - تشکیلاتی حزب توده، ۲. تاریخچه سازمان جوانان و تشکیلات زنان حزب توده و، ۳. تاریخچه شورای متحده اتحادیه‌های کارگری و دهقانی، ۴. روزنامه‌ها و نشریات توده‌ایی و ۵. سازمان افسران حزب توده الزامی می‌باشد.

سازمان افسران از جمله سازمان‌ها و تشکل‌های وابسته به حزب توده ایران در سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۲۰ است که علیرغم تأثیر جدی و تعیین‌کننده بر تداوم فعالیت حزب توده و در مواردی بر رویدادهای دهه ۱۳۲۰ و نهضت ملی شدن صنعت نفت، تاکنون مورد بررسی پژوهشگران قرار نگرفته است و آگاهی چندانی از آن در دست نمی‌باشد. به‌رغم این موضوع در بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های مربوط به سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ همواره از سازمان افسران یاد می‌شود، از امکانات و توانایی‌هایش سخن گفته می‌شود و از افسانه‌اش سخن می‌گویند؛ افسانه‌ایی که در برابر امکانات و توانایی واقعی این سازمان رنگ می‌بازد. از این‌رو از آن مجموعه پنج بخشی پیشگفته، ابتدا به بررسی سازمان افسران و تاریخچه آن پرداختم.

کمبود اسناد و مدارک مربوط به سازمان افسران، دشواری دستیابی به روزنامه‌ها و نشریات آن و همچنین پیشداوری‌ها و سکوت حیرت‌انگیزی که پیرامون این سازمان و اعضاء آن وجود دارد، کار پژوهش و بررسی را در این

زمینه سخت دشوار می‌سازد. بسیاری از این معضلات به یاری دوست گرانقدر و گرامی آقای مرتضی زربخت برطرف شد. براستی اگر یاری و پشتکار فوق‌العاده و تشویق و همدلی صادقانه ایشان نبود، چه بسا این نوشته به سرانجام نمی‌رسید. همچنین لازم است از ایشان برای اسناد و مدارک متعددی که در اختیارم نهادند صمیمانه سپاسگزاری نمایم و همچنین تلاش ایشان برای فراهم آوردن امکان دیدار و مصاحبه با تنی چند از اعضای سابق سازمان افسران که به یاد مانده‌های خود را با من در میان گذاشتند. در این زمینه به‌ویژه از آقای مهدی همایونی، یکی دیگر از اعضای سازمان افسران که متن کامل خاطرات خود را برای انضمام به این بررسی در اختیار نگارنده قرار دادند، و آقای رضا آذری شهرضایی که امکان دستیابی به برخی از گزارش‌های مطبوعات وقت را فراهم ساختند و همچنین آقای علی میرزایی سردبیر فصلنامه نگاه نو که انتشار بخش‌هایی از بررسی حاضر را در نشریه^۱ - و لهذا امکان طرح و بحث گسترده‌تر این موضوع را - میسر ساختند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

از خوانندگان و پژوهشگرانی که با تذکرات، انتقادات و راهنمایی‌های خویش مرا یاری خواهند داد، پیشاپیش سپاسگزارم.

محمدحسین خسروپناه

۱. نگاه نو، شماره ۳۲، اردیبهشت ۱۳۷۶، صص ۲۷-۴۹؛ شماره ۳۳، مرداد ۱۳۷۶، صص

فصل اول

از شهریور ۱۳۲۰ تا سقوط فرقه دموکرات آذربایجان

www.iran-archive.com

پیش زمینه ها

انقلاب مشروطیت ایران (۱۲۸۵ خ) و تعمیق بحران ساختاری، انجام اصلاحات و نوسازی سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را به ضرورتی گریزناپذیر مبدل ساخت. در شرایطی که بحران سیاسی و اجتماعی و مداخله روزافزون بیگانگان در امور داخلی ایران، کشور را به پرتگاه فروپاشی سوق می داد، طبیعی بود که افراد و گروه های مختلف بکوشند تا بحران را برطرف سازند. پدید آمدن احزاب سیاسی، گروه های فشار و روزنامه ها از جمله چنین تلاش هایی است. به تدریج با آشکار شدن ناتوانی بسیاری از این احزاب و گروه ها در تحقق چنین اصلاحاتی، نظامیان کشور نیز که از تمایلات اصلاح طلبانه برکنار نبودند، با مشاهده ضعف و زبونی اقتدار ملی کوشیدند حرکتی را آغاز کنند که منجر به دگرگون سازی و اصلاح کشور و بازگشت اقتدار ملی شود. این قبیل حرکات که در خلال سال های جنگ اول جهانی با مداخله مستقیم ژاندارمری دولتی ایران در تحولات سیاسی وقت نمود مشخص و پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، وجوه بارزتری یافت. در این زمینه می توان به کودتای ۱۲۹۹، قیام های کلنل پسیان، مازور لاهوتی، لهاک خان سالار جنگ و... اشاره کرد. در دهه دوم سلطنت رضاشاه، در شرایطی که احزاب و گروه های سیاسی و به ویژه حرکت های ترقی خواه و انقلابی سرکوب شده و امکان فعالیت نداشتند، خواست مشارکت سیاسی در جامعه، بار دیگر بر نیروهای مسلح کشور تأثیر گذارد و به صورت ایجاد محافل و گروه های ناراضی، در ارتش بازتاب یافت. شکل گیری و

بازداشت گروه سرهنگ محمودخان پولادین در سال ۱۳۰۵ و تشکیل گروه ستوان دوم وظیفه محسن جهانسوزی (شامل ستوان یکم هوایی غلامعلی جاوید، ستوان دوم هوایی سیدحسن کهنمویی، ستوان یکم پیاده حسین میرمحمد صادقی، ستوان دوم نورهاشمی و...) در سال‌های پایانی سلطنت رضا شاه که به داشتن گرایش‌های فاشیستی شهرت یافت، از نمونه‌های بارز و برجسته آن است.

براساس اسناد و مدارک موجود در سال‌های بعد از پایان جنگ اول جهانی، توجه احزاب سیاسی، به‌ویژه گرایش‌های چپ به ارتش، و ارزیابی آن به عنوان نیروی مهم و تعیین‌کننده در تحول سیاسی-اجتماعی ایران، به‌کنگره دوم حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۰۶ باز می‌گردد. رهبری حزب کمونیست با ارزیابی از عملکرد نظامیان در تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران در فاصله انقلاب مشروطیت تا سلطنت رضاشاه و همچنین تحول کیفی ارتش ایران از نیرویی پراکنده و ضعیف به ارتش واحد، متمرکز و نوسازی شده، به این نتیجه رسید که در دوره اخیر، کسانی به ارتش می‌پیوندند که با طبقه حاکمه ایران پیوند سیاسی و اجتماعی نداشته و نیرویی بالقوه انقلابی هستند. احتمالاً تجربه حزب بلشویک روسیه در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و پیوستن برخی از واحدهای نظامی به آنان نیز در رسیدن به چنین تحلیلی مؤثر بوده است. کنگره دوم حزب کمونیست ایران علاوه بر آنکه از «افراد انقلابی قشون حالیه» می‌خواست «بیرق شورش و انقلاب را بلند کرده اسلحه و معلومات نظامی خود را بر ضد استثمارکنندگان ملت به کار برند»؛^۱ به فعالیت سازمانگراانه حزبی در ارتش نیز توجه نمود و تصویب کرد: «یکی دیگر از

۱. «پروگرام عملیات حزب کمونیست ایران مصوبه کنگره دوم»، به نقل از: اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، ج ۱، به کوشش خسرو شاکری، تهران، علم، ۱۳۵۷، ص ۱۰۶.

شرایط فتح انقلاب زراعتی، انتشار افکار انقلابی در میان قشون و طرفداری قشون از انقلابیون است.^۱ ولی در مورد متحقق ساختن این مصوبه اطلاعی در دست نیست. عبدالصمد کامبخش در ارزیابی فعالیت حزب کمونیست می‌نویسد «پس از کنگره دوم، حزب فعالیت در ارتش را مورد توجه قرار داد و با تعیین مسئول جداگانه‌ای برای این کار، افراد حزبی را به ورود در ارتش و مدارس افسران و درجه‌داران تشویق نمودند.»^۲

آرداشس آوانسیان، در این باره توضیح بیشتری می‌دهد: «ما در دوران فعالیت حزب کمونیست تا حدودی بین افسران نیز کار کرده بودیم. لکن در آن دوران کار در این زمینه ضعیف بود و اصولاً خود حزب هم ضعیف بود. به علاوه اینها در گوشه و کنار بودند و آنهایی هم که داشتیم در مدرسه ارتش تحصیل می‌کردند... بیشتر، حسین شرقی در آن ایام با این عده تماس داشت، من هم با عده‌ای تماس داشتم...»^۳ به رغم چنین توضیحاتی، تاکنون اطلاعی از نظامیانی که با حسین شرقی و آوانسیان در تماس بوده‌اند، بدست نیامده است. در کلیه خاطرات و مطالعات منتشر شده، هرگاه بخواهند نامی از افسران عضو حزب کمونیست ایران بیاورند، تنها به ستوان امینیه عزت‌الله سیامک قزوینی اشاره می‌کنند که نصرالله اصلانی (کامران) یکی از رهبران حزب کمونیست را در سال ۱۳۱۰ فراری داد. احتمالاً چنین اعضایی وجود نداشته‌اند، زیرا نه تنها در جریان دستگیری و فروپاشی حزب کمونیست در سال‌های بین دو جنگ بازداشت نشدند، بلکه در ادوار سیاسی بعد از شهریور ۱۳۲۰ نیز چنین افرادی به بخش نظامی حزب توده نپیوستند. در مورد فعالیت عبدالصمد

۱. «تزه‌های مصوب کنگره دوم حزب کمونیست ایران»، همان، ص ۱۰۰.

۲. عبدالصمد کامبخش، نظری به جنبش کارگری در ایران، ج ۱، تهران، حزب توده، ۱۳۵۸، ص ۵۲.

۳. خاطرات اردشیر آوانسیان، تهران، نشر نگره، ۱۳۷۶، ص ۴۱۸.

کامبخش در میان نظامیان و به‌ویژه اسرآن نیروی هوایی کشور نیز اطلاع موثقی نداریم. احتمالاً فعالیت وی در چارچوب کار تشکیلاتی حزبی نبوده است، زیرا وی مدت کوتاهی پس از بازگشت از اتحاد شوروی و ورود به نیروی هوایی در سال ۱۳۱۲ به اتهام جاسوسی دستگیر و پس از ۹ ماه بازداشت، آزاد و از ارتش اخراج شد. در صورتی که مدرکی دال بر فعالیت وی در حزب کمونیست، یا فعالیت‌هایی در این زمینه در ارتش به دست آمده بود، براساس «قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال کشور» مصوب ۱۶ خرداد ماه ۱۳۱۰ تحت پیگرد قرار می‌گرفت، نه آنکه مدتی بعد پرونده‌اش راکد رها شود و فقط در جریان دستگیری گروه دکتر ارانی، اداره سیاسی شهربانی آن را به اهرم فشاری علیه او مبدل سازد.^۱

به دلیل فقدان اسناد و مدارک قابل اعتماد، در مورد پیش‌زمینه فعالیت احزاب سیاسی، از جمله حزب کمونیست در ارتش بایستی محتاط بود.

فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه و تأثیر آن بر ارتش ایران
تبلیغات افراد و گروه‌های طرفدار آلمان در دهه ۱۳۱۰، توهمات گسترده‌ای نسبت به مقاصد و هدف‌های جهانی آلمان هیتلری در ایران پدید آورده بود.

تبلیغاتی که با شروع جنگ جهانی دوم (۹ شهریور ماه ۱۳۱۸) و اعلام جنگ انگلیس به آلمان بازتاب گسترده‌ای در ایران یافت؛ اکثر ایرانیان، از اقشار و طبقات گوناگون بدون آنکه شناختی از فاشیسم و آمال آن داشته باشند به هواداری آلمان، خواستار شکست انگلستان و متحدانش بودند و خود را در پیروزیهای آلمان شریک می‌دانستند. یورش ارتش آلمان به خاک اتحاد شوروی (یکم تیرماه ۱۳۲۰) و پیشرفت‌های آنان، امیدهای

۱. رک به: حسین فرزانه، پرونده پنجاه و سه نفر، تهران، نگاه، ۱۳۷۲، ص ۷۷ و ۵۲۴.

فراوانی در پیر و جوان ایرانی پدید آورد و حتی برخی بی‌صبرانه در انتظار ورود ارتش آلمان به خاک ایران بودند.

هجوم ارتش‌های متفقین به خاک ایران و نقض حاکمیت کشور در سوم شهریورماه ۱۳۲۰، وادار ساختن رضاشاه به استعفا و مداخله‌های آنان در امور داخلی ایران، بار دیگر خاطرات تلخ استعمار انگلیس و روسیه تزاری در دوره قاجاری را زنده ساخت و خود زمینه‌ای شد برای امیدواری بیشتر ایرانیان به آلمان و پیشروی ارتش آن به سوی قفقاز. فروپاشی سریع ارتش ایران در برابر تعرض نظامی متفقین و گریختن اکثر فرماندهان از جبهه‌های جنگ و حتی شهرهای مرزی کشور، تمکین دربار و ستاد ارتش به خواست‌های متفقین، نارضایتی گسترده‌ایی در صفوف ارتشیان میهن‌دوست و ترقیخواه پدید آورد که نشانه اولیه و بارز آن، شورش پادگان هواپی قلع‌مرغی در ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ به رهبری سروان احمد وثیق است. این شورش توسط نیروی زرهی لشکر یکم مرکز به فرماندهی سروان انصاری درهم شکسته شد و شورشیان دستگیر شدند.^۱ روزنامه اطلاعات در همان روز خبر این شورش را این‌گونه منتشر ساخت: «امروز دو هواپیمای دولت ایران بدون اینکه از سرفرماندهان خود اجازه داشته باشند در هوای تهران بنای پرواز گذاشتند. چون این حرکت برخلاف امر و دستور رئیس‌ان آنها بود توپخانه ضد‌هواپی به سمت آنها تیراندازی نمود که مرعوب شده بر زمین بنشینند. صدای تیراندازی که در حدود ساعت ده [صبح] در تهران شنیده شد از این جهت بود و برای آگاهی عامه از حقیقت امر اعلام می‌شود.»^۲

به رغم شکست این شورش، نارضایتی از وضع موجود در محیط‌های نظامی روبه‌گسترش نهاد و موضوع اصلی بحث‌ها پیرامون جنگ جهانی و

۱. برای اطلاع بیشتر رک به: ابراهیم شوشتری، فرمان مقاومت تهران، شیرازه، ۱۳۷۶.

۲. اطلاعات، سال شانزدهم، شماره ۳۶۳۹، شنبه هشتم شهریور ماه ۱۳۲۰، ص ۱.

پیروزی‌های آلمان و آینده ایران بود. در بین نظامیان (همانند دیگر افسار) دو نگرش نسبت به آلمان وجود داشت: یک گروه در پی رویاهای احیای عظمت گذشته ایران به یاری آلمان‌ها بودند و گروه دیگر در همراهی با آلمان وسیله‌ای می‌دیدند برای پیشرفت علمی و اقتصادی ایران و جبران سریع عقب‌ماندگی تاریخی کشور^۱ و بر این اساس از آلمان‌ها حمایت می‌کردند. هر دو گروه هوادار آلمان بودند، ولی انگیزه‌های متفاوت آنان، در آینده هر گروه را به سویی کشانید.

ورود ارتش متفقین به ایران و استعفای رضا شاه، تحول چشمگیری در شیوه اعمال قدرت سیاسی در کشور پدید آورد: قانون اساسی مشروطیت بار دیگر احیا شد، مجلس شورای ملی استقلال خود را بازیافت، نخست‌وزیر و هیئت وزیران مسئول اداره کشور شناخته شدند، احزاب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری تشکیل شدند و به فعالیت پرداختند، روزنامه‌ها از بند سانسور رها شدند و روزنامه‌های بسیاری شروع به انتشار نمودند.

یکی از گویاترین نمونه‌هایی که در توضیح این دگرگونی می‌توان برشمرد سخنان سید یعقوب انوار است. وی از نخستین کسانی بود که به استقبال و خوش آمد این تحولات رفت و طی نطقی در جلسه مجلس شورای ملی گفت: «الخير في ما وقع. یک پیش‌آمدی واقع شده است که ان‌شاءالله رحمان امیدواریم این پیش‌آمد برای ملت ایران پیش‌آمد نیکی باشد و خیر و سعادت ملت ایران در این پیش‌آمد باشد که از تحت فشار خیلی ممتدی نجات پیدا کردند و من خوشوقتی دارم که الان دارم در یک مجلسی صحبت می‌کنم که عموم نمایندگان مجلس مثل سابق یک روح اتحاد و یگانگی با پشتیبانی از کابینه و دولت دارند که ان‌شاءالله امیدواریم

۱. برای آگاهی از نمونه‌ای از این نوع استدلال‌ها ر.ک. غلامحسین بقیعی، انگیزه، شیراز، چاپخانه مصطفوی، بی‌تا، ص ۱۶۷.

تمام خرابیهای سابق ما ترمیم شود که مثلاً من می‌گویم سؤال دارم یا استیضاح دارم از فلان وزیر، فوری آن وزیر حاضر شود. روزنامه‌های ما نباید مثل مرغ منقار چیده در قفس باشند. تا کی باید ملت ایران صدا نداشته باشد که بگوید آقا ظلم خانه را خراب کرده است... امیدواریم که کارها تحت نظر ما یعنی مجلس شورای ملی باید بیاید... قانون اساسی باید بهش عمل شود و وزراء بایستی مسئول مجلس باشند...^۱

زندانیان سیاسی آزاد شده، سیاستمداران خانه‌نشین و فعالان سیاسی دوره مشروطیت با استفاده از شرایط سیاسی کشور مجدداً به میدان آمدند و برخی از آنان اقدام به تشکیل احزاب سیاسی کردند. و پس از سال‌ها ممنوعیت فعالیت سیاسی مستقل در ایران، به ارائه راه‌ها و طرح‌هایی برای اصلاح و نوسازی سیاسی - اجتماعی جامعه ایران پرداختند. یکی از مهم‌ترین این احزاب، که در حیات سیاسی نیم قرن اخیر ایران تأثیر فراوان داشته، «حزب توده ایران» است که در هفتم مهرماه ۱۳۲۰ تأسیس شد و در آغاز کار فعالیت خویش را از جمله در مقابله با فاشیسم و زدودن توهّمات آلمان دوستانه متمرکز ساخت.

در مقابل، ستون پنجم آلمان در ایران و هواداران ایرانی آنها نیز که تحت تعقیب نیروهای متفقین قرار داشتند، برای سازماندهی و هماهنگی فعالیت‌های شان نیازمند مرکز واحدی بودند و برای این منظور «حزب کبود» را ایجاد کردند.

حزب کبود، نهضت ملی و گروه رزم آرا

با اشغال ایران از سوی ارتش متفقین، جناح آلمانوفیل هیئت حاکمه ایران برای سازماندهی و هماهنگی فعالیت‌های خود بر ضد متفقین و یاری به ستون پنجم آلمان در ایران به رهبری فرانتس مایر (Frantz Mayr)

و رومن گاموتا (Roman Gamotta) مخفیانه تشکلی با عنوان «حزب کبود» به رهبری حبیب‌الله نوبخت (نماینده مجلس شورای ملی) ایجاد کرد. رهبران حزب کبود در پی فراگیر ساختن این حزب نبودند، هدف و فعالیت عمده آنان، سازماندهی افسران و درجه‌داران آلمان دوست در نیروهای مسلح، هماهنگی فعالیت‌های خرابکارانه، جاسوسی، ایجاد شورش و بلوا در نقاط مختلف کشور و فعالیت مشترک با مأمورین آلمانی و یاری آنان بود. فعالیت حزب کبود در نیروهای مسلح با توجه به شرایط روحی و توهمات آلمان دوستانه افسران و درجه‌داران، با استقبال روبرو شد.

در بین افسران، به‌ویژه افسران جوان، احساسی حاکی از شرمساری عمیق و اعتراض به عملکرد ارتش ایران در برابر ارتش‌های متفوقین وجود داشت. در سوم شهریور، اکثر لشکرها و تیپ‌های ارتشی، پیش از آنکه در نبردی درگیر شوند، فرو پاشیدند. شرم‌آورتر آنکه فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها به جای آنکه از نفرات تحت امر خویش حفاظت و نگهداری کنند، آنان را رها کرده و خود به محل‌هایی امن گریختند. نمونه این قبیل امیران ارتش، سرلشکر محتشمی فرمانده لشکر هشتم (خراسان) است که از میدان نبرد گریخت و «... حتی لوله‌های حلبی بخاریش را هم در کامیونهای ارتش حمل کرد و در تربت حیدریه ۳۰ هزار تومان از بانک ملی آنجا دزدید.»^۱

افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح، برای جبران عملکرد ارتش ایران در سوم شهریورماه ۱۳۲۰ و تحقق آرمان‌های استقلال‌طلبانه، عدالت‌خواهانه و ضداستعماری از تشکیلاتی چون حزب کبود استقبال کردند. تشکیلات مزبور در مدت کوتاهی موفق به سازماندهی شبکه‌های متعدد و گسترده در نیروهای مسلح شد. مسئولیت شبکه‌های حزب کبود

۱. «حقیقت واقعه خراسان»، رستاخیز ایران، شماره ۸۵، جمعه ۲۳ شهریور ماه ۱۳۲۴، ص ۲.

در ارتش برعهده سرهنگ دوم حسین منوچهری (سرلشکر بهرام آریانای بعدی) بود که در آن زمان به عنوان افسری شایسته و ناسیونالیست شهرت داشت. در شبکه‌های ارتشی حزب کبود افسرانی مانند سروان‌ها: یوسف مرتضوی، قاضی اسدالهی، عاصمی و... ستوان‌ها: ابوالحسن عباسی، بهرام دانش، احمد رصدی اعتماد، اسکوئی، ایلخانی‌زاده، عبدالحسین آگاهی، علی اصغر احسانی، جواد ارتشیار و... عضویت داشتند. نشانه‌هایی از همکاری سروان خسرو روزبه با حزب کبود وجود دارد^۱ که مورد تکذیب روزبه است و آن را ناشی از سوء تفاهم می‌داند.^۲ مسئولیت افسران نیروی هوایی حزب کبود برعهده سروان خلبان لوائی قرار داشت و رابط وی با نوبخت رهبر حزب کبود، ستوان یکم هوایی مرتضی زربخت بود.^۳

افسران حزب کبود در دو عرصه فعالیت می‌کردند: گروهی به فعالیت‌های جنبی و حاشیه‌ای مانند تبلیغات و محافظت از جلسات حزب می‌پرداختند. و گروهی به شبکه‌های خرابکاری و جاسوسی آلمان‌ها در ایران یاری می‌کردند؛ چنانکه در سال ۱۳۲۱، سروان یوسف مرتضوی به همراه تنی چند از افسران «دو نفر چترباز آلمانی را که در ورامین فرود آمدند، با لیره‌ها و بی‌سیم‌ها و سایر وسائشان به شهر [تهران] آوردند و مخفی ساختند.»^۴

بر اثر فعالیت‌های رهبران حزب کبود، از جمله تلاش برای شوراندن ایل قشقایی، حبیب‌الله نوبخت و تنی چند از رهبران و اعضاء این حزب تحت پیگرد قرار گرفتند و متواری شدند. در کنار این تلاش‌ها، با توقف پیشروی ارتش آلمان در خاک روسیه و

۱. حسن نظری، گماشتگی‌های بدفرجام، (تهران، رسا، ۱۳۷۶)، صص ۷۹-۸۱.

۲. خسرو روزبه، آخرین دفاع، (تهران، بی‌نا، ۱۳۵۷)، ص ۵۳ و خسرو روزبه، اطاعت کورکورانه، (تهران، بی‌نا، ۱۳۵۷)، ص ۵۸.

۳. پاسخ مرتضی زربخت به سؤالات نگارنده: ۱۳۷۶/۷/۲۱.

۴. خسرو روزبه، آخرین دفاع، ص ۵۳.

شکست در استالینگراد که سرآغاز افول ستارهٔ بخت آنها بود فعالیت‌هایی که برای مدتی در این زمینه آغاز شده بود، جهات دیگری به خود گرفت. یکی از سازمان‌هایی که از این نیروها بهره گرفت تشکیلات موسوم به «حزب نهضت ملی» سرلشکر حسن ارفع بود.^۱ در یکی از معدود منابعی که در زمینهٔ فعالیت‌های این سازمان در دست است از تقسیم آن به دو بخش نظامی (به رهبری سرلشکر ارفع) و بخش غیرنظامی به رهبری احمد محیط و حسین رامتین سخن به میان آمده و این که مرامنامه‌ای نیز برای آن تهیه نمودند که در بنگاه مطبوعاتی پروین متعلق به عزت‌الله همایونفر (رئیس دایره تبلیغات حزب نهضت ملی) به چاپ رسید و در اختیار اعضا قرار گرفت.^۲ در حالی که «دسته دسته افسران آمادگاه و لشکر یکم مرکز در منزل سرگرد امین‌زاده و باشگاه افسران اجتماع می‌کردند و با یک گزلیک و قرآن مراسم سوگند را به جا می‌آوردند»^۳، ظاهراً به تدریج اهداف و مقاصد آن گروه تغییر می‌یافته و اعضاء مؤظف به شناسایی و مراقبت از فعالین و علاقمندان حزب توده و طرفداران سرلشکر رزم‌آرا در ارتش شده بودند.

گروه دیگری که برای جلب افسران علاقمند به فعالیت‌های سیاسی اقدام کرد، گروه رزم‌آرا بود. در این زمان، سرلشکر رزم‌آرا (رقیب دیرینه سرلشکر ارفع)، به یاری سرتیپ شفایی (آجودان مخصوص شاه)، سرتیپ کیکاوسی، سرتیپ هدایت، سرهنگ ۲ مجید غفاری و چندتن دیگر گروه‌بندی خاص خویش را در ارتش پدید آورده و به جذب افسران ارتش و تضعیف موقعیت سرلشکر ارفع می‌پرداختند. آنان به تدریج فعالیت خویش را گسترش بخشیده و علنی ساختند. و حتی روزهای

۱. خسرو روزبه، اطاعت کورکورانه، ص ۵۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۶.

دوشنبه و پنج‌شنبه در باشگاه افسران به عنوان میهمانی چای یا مسابقات شطرنج اجتماع می‌کردند و گویا در مدت کوتاهی، تعداد افسران گروه رزم‌آرا به بیش از ۲۵۰ نفر افزایش یافت. نکته قابل توجه آنست که رزم‌آرا و یارانش با روزنامه‌ها و جریانات چپ‌گرای کشور خوش‌رفتاری نموده و حتی بعضی از آنها را طرفدار خود کرده بودند؛ امری که خوشایند سرلشکر ارفع و یارانش نبود.^۱ در مورد گروه سرلشکر رزم‌آرا و نحوه فعالیت آنان بیش از این اطلاعی در دست نیست. احتمالاً وی توانست این گروه را حتی پس از بازنشستگی‌اش حفظ کند و پس از بازگشت دوباره به خدمت از آن بهره‌جوید. چنان‌که در جریان دستگیری‌های شهریور ماه ۱۳۲۴، برخی از افسران گروه رزم‌آرا نیز بازداشت و تبعید شدند که به آن خواهیم پرداخت.

در پی تحول و دگرگونی حزب نهضت ملی و همچنین تبلیغات گسترده حزب توده در جامعه، افسران اصلاح‌طلب و ترقیخواه به تدریج حزب نهضت ملی را رها کرده و به دیگر احزاب از جمله حزب توده پیوستند.

حزب توده ایران

حزب توده ایران، در هفتم مهرماه ۱۳۲۰ به ابتکار ایرج اسکندری و مشارکت برخی از زندانیان سیاسی آزاد شده و فعالان سیاسی قدیمی در تهران تشکیل شد. حزب توده در شرایطی فعالیت خویش را آغاز کرد که دیکتاتوری رضاشاهی بر اثر ورود ارتش متفقین به ایران، به‌تازگی فروپاشیده بود و بخشی از جامعه تحت تأثیر تبلیغات فاشیست‌ها و هواداران ایرانی آنان، در بند تفکرات آلمان دوستانه بودند و جاسوسان و خرابکاران آلمانی با استفاده از چنین روحیاتی می‌کوشیدند اهداف خویش را به پیش برند.

۱. برای اطلاع بیشتر رک به: «تاریخچه ساده واحده راجع به عدم مداخله افسران در سیاست»، (رهو، سال دوم، شماره ۴۲۸، پکشنه ۵ آذرماه ۱۳۳۳).

براین اساس، فعالیت حزب توده، دو عرصه را دربرمی‌گرفت: یکی «بدست آوردن آزادیهایی که به موجب قانون اساسی برای ملت ایران شناخته شده» و «جلوگیری از ارتجاع و استبداد با اتکاء بقدرت جمعی توده مردم»^۱ و عرصه دیگر، فعالیت گسترده بر علیه فاشیسم و زدودن روحیات آلمان دوستانه در جامعه. با انتشار روزنامه‌های مردم و سیاست (بهمن و اسفند ۱۳۲۰) کارزار تبلیغاتی حزب توده آغاز شد. ولی نفوذ گسترده و هواداری احساسی از آلمان هیتلری در جامعه، فعالیت حزب توده را دشوار و مخاطره‌آمیز ساخته بود. صادق انصاری از شرایط آن روز می‌نویسد: «...پاره کردن و سوزاندن روزنامه‌های ضدفاشیستی مردم و شکستن سر و دست نوجوانان روزنامه‌فروش و یورش به دفاتر و مراکز حزبی فروش مطبوعات و آتش‌زدن و غارت آنها و رقص و پایکوبی در مراسم روزنامه سوزان در چهارراهها و میدانهای شهر» از حوادث متداول و روزمره آن ایام تهران بود.^۲ اما فعالیت‌های تبلیغاتی حزب توده از یک سو و تحولات حبه‌های جنگ جهانی دوم از سوی دیگر به تدریج ماهیت و مقاصد فاشیسم و آلمان هیتلری را برملا ساخت و در پی دستگیری اعضای شبکه جاسوسان آلمانی در ایران و برخی از سران آلمانوفیل هیئت حاکمه، هواداری از آلمان هیتلری تضعیف شد و شکست ارتش آلمان در استالینگراد و آغاز یورش‌های ارتش شوروی بر علیه آنان، هواداران آلمان هیتلری را از نفس انداخت و بی‌اعتبار ساخت. گروه‌های اجتماعی رها شده از بند دیکتاتوری رضاشاهی و آزاد از روحیات تفکرات فاشیستی و آلمان دوستی، در پی تحقق هدف‌هایی مانند استقلال، دموکراسی، حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی، مشارکت

۱. سیاست، شماره اول، سوم اسفندماه ۱۳۲۰، به نقل از گذشته چراغ راه آینده است، پاریس،

جبهه آزادی مردم ایران، ۱۹۷۷، ص ۱۳۵.

۲. صادق انصاری، از زندگی من: پایه‌های حزب توده ایران، نشر کتاب، ۱۳۷۵، ص ۵۷.

سیاسی در جستجوی تشکل‌هایی برای بیان دیدگاه‌ها و هدف‌های خود بودند. حزب توده با انتشار اصول اساسی برنامه و اهداف خویش در اسفند ۱۳۲۰ و تدقیق آن در کنفرانس ایالتی تهران در ۱۷ مهرماه ۱۳۲۱ که مواردی چون «حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، برقراری رژیم دموکراسی و تأمین حقوق فردی و اجتماعی از قبیل آزادی بیان، عقیده و اجتماعات، اصلاحات اجتماعی، مبارزه علیه هرگونه رژیم دیکتاتوری و استبدادی و...»^۱ را در برداشت و طرح شعار «بر علیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید»^۲ می‌کوشید این گروه‌های اجتماعی را جذب کند و رهبری آنها را به دست گیرد. حزب توده از لحاظ مشی خارجی خود نیز چنین می‌گفت: «... ما دوستی خود را چه با بریتانیا، چه با شوروی مشروط به یک شرط می‌کنیم و آن اینکه این دو دولت منافع خود را در حدود منافع ملی ما، در حدود ارتقاء و سعادت عمومی ما حفظ کنند. که این دو دولت حامی هیچگونه سیاست ارتجاعی یا افراطی در ایران نباشند... ما هر روز که احساس کنیم همسایه شمالی ما برخلاف تصور ما می‌خواهد در ایران منافع استعماری برای خود فرض نماید، یا قصد آن را داشته باشند که رژیم خود را بزور بر ملت ما تحمیل کند، یا بخواهد ایران را منضم به خاک خود سازد، ما با این روش سخت مبارزه خواهیم کرد.»^۳

با تبلیغ چنین سیاست‌ها و اهدافی، حزب توده به تدریج در جامعه ایران مطرح شد و روبه‌توسعه و رشد نهاد. در ارتش نیز حزب توده تلاش می‌کرد افسران ناراضی و آرمان‌خواهی را که پس از ناامید شدن از آلمان هیتلری در جست‌وجوی محتملی برای تحقق برنامه‌هایشان بودند به سمت خود بکشاند.

۱. کامبخش، نظری به جنبش کارگری، ص ۵۲.

۲. رهبر، شماره ۳۰۶، ۱۶ خرداد ماه ۱۳۲۳ به نقل از: گذشته چراغ راه آینده است، ص ۱۳۷.

۳. «حزب توده و سیاست یکطرفه»، رهبر، شماره ۲۸۰، ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲، به نقل از گذشته چراغ راه آینده است، ص ۱۳۷.